

الثالث: في كيفية الوضوء

فصل سوم: نحوه وضو گرفتن

وفروضه خمسة:

وضو پنج عمل واجب دارد:

الفرض الأول: النية.

واجب اول: نیت

وهي: إرادة تفعل بالقلب. وكيفية: أن ينوي الوضوء قربة إلى الله تعالى وطلباً لطهارة الباطن. ولا يجب نية رفع الحدث، أو استباحة شيء مما يشترط فيه الطهارة أو الوجوب أو النذب. ولا تعتبر النية في طهارة الثياب، ولا غير ذلك مما يقصد به رفع الخبث. ولو ضم إلى نية التقرب إرادة التبرد أو غير ذلك كانت طهارته مجزية. ووقت النية عند غسل الكفين، وتضييق عند غسل الوجه، ويجب استدامة حكمها إلى الفراغ.

نیت، اراده انجام کاری به صورت قلبی است و چگونگی آن به این ترتیب است: نیت کند که برای نزدیک شدن به خداوند متعال و پاکی باطن⁽¹⁾ وضو می گیرد. واجب نیست که نیت رفع حدث یا مباح شدن عملی که در آن طهارت، شرط است [مانند نماز] و یا نیت وجوب یا استحباب وضو را داشته باشد. برای پاک کردن لباس یا چیز دیگری از هرگونه نجاست، نیت لازم نیست. اگر به نیت تقرب به خداوند قصد خنک شدن یا غیر آن را نیز ضمیمه کند وضویش صحیح است. زمان نیت، هنگام شستن دستها (قبل از شروع وضو) است و پایان وقت آن، زمان شستن صورت است و باید تا پایان وضو بر نیت خود باقی بماند.⁽²⁾

تفریع: إذا اجتمعت أسباب مختلفة توجب الوضوء كفى وضوء واحد بنية التقرب ولا يفتقر إلى تعيين الحدث الذي يتطهر منه، وكذا لو كان عليه أغسال.

1- مقصود از طهارت باطنی، حالتی است که با آن اعمال مشروط به طهارت مانند نماز یا لمس قرآن و غیره مجاز می شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 33)

2- اگر در حال انجام وضو در نیتش شک کرد اشکالی پیش نمی آید، به شرط اینکه وضو را قطع نکند و نیت قطع کردنش را هم نداشته باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 34)

تبصره: اگر چند مورد از اسباب وجوب وضو با هم پیش بیاید، یک وضو با نیت قربت کفایت می‌کند و نیازی به تعیین کردن حدث موردنظر (که می‌خواهد از آن پاکی بجوید) نیست؛ همین حکم هنگام واجب شدن چند غسل بر او، جاری می‌شود.

الفرض الثاني: غسل الوجه.

واجب دوم: شستن صورت

وهو ما بين منابت الشعر في مقدم الرأس إلى طرف الذقن طولاً، وما اشتملت عليه الإبهام والوسطى عرضاً، وما خرج عن ذلك فليس من الوجه. ولا عبرة بالأنزع، ولا بالأغم، ولا بمن تجاوزت أصابعه العذار أو قصرت عنه، بل يرجع كل منهم إلى مستوي الخلقة فيغسل ما يغسله.

محدوده صورت از جهت طولی، از محل رشد موی سر تا چانه و از جهت عرضی فاصله میان انگشت شصت و انگشت وسط دست می‌باشد و هرچه خارج آن باشد جزو صورت نیست. کسی که موی جلوی سرش کمتر یا بیشتر از حد طبیعی باشد، یا کسی که فاصله انگشتانش از عرض صورتش بیشتر یا کمتر باشد، وظیفه‌اش این است که ببیند مردم متعارف تا چه اندازه از صورت را می‌شویند و همان مقدار را بشوید.

ويجب أن يغسل من أعلى الوجه إلى الذقن، ولو غسل منكوساً لم يجز. ولا يجب غسل ما استرسل من اللحية، ولا تخليلها بل يغسل الظاهر. ولو نبت للمرأة لحية لم يجب تخليلها، وكفى إفاضة الماء على ظاهرها.

صورت را باید از بالا به پایین تا چانه شست و اگر عکس آن عمل شود صحیح نیست. شستن قسمت‌های پایینی ریش که خارج از صورت است واجب نیست و همچنین نیازی به رساندن آب به میان محاسن نیست، (3) بلکه تنها شستن ظاهر آن کافی است. اگر در صورت زنی، مو به قدری بود که ریش به حساب آید گذراندن آب از میان آن لازم نیست و رساندن آب به ظاهر آن کفایت می‌کند.

الفرض الثالث: غسل اليدين.

واجب سوم: شستن دست‌ها

3- رساندن آب به دو طرف چشمها و ورودی حفره‌های بینی با دقت تمام نیازی نیست، بلکه کافی است که آب را روی اجزای ظاهری صورتش جریان دهد. (احکام

والواجب: غسل الذراعين، والمرفقين، والابتداء من المرفق. ولو غسل منكوساً لم يجز ويجب البدء باليمنى. ومن قطع بعض يده غسل ما بقي من المرفق، فإن قطعت من المرفق سقط فرض غسلها. ولو كان له ذراعان دون المرفق، أو أصابع زائدة، أو لحم نابت وجب غسل الجميع، ولو كان فوق المرفق لم يجب غسله، ولو كان له يد زائدة وجب غسلها.

واجب در آن، شستن دست‌ها از آرنج تا نوک انگشتان است و دو آرنج نیز باید شسته شود و باید شستن از آرنج آغاز شود. شستن برعکس آن از پایین به بالا کفایت نمی‌کند. واجب است ابتدا دست راست را بشوید. اگر فردی قسمتی از دستش قطع شده باشد باقی مانده آن را از آرنج به پایین بشوید؛⁽⁴⁾ و اگر دستش از آرنج قطع شده باشد شستن آن از او ساقط می‌گردد. اگر از یک آرنج دو ساعد یا انگشتان زائد یا گوشت اضافه داشته باشد، در تمام موارد باید آن عضو اضافه را بشوید، اما اگر این عضو اضافه بالای آرنج باشد شستن آن واجب نیست؛ اگر دارای یک دست اضافه باشد باید آن را نیز بشوید.

الفرض الرابع: مسح الرأس.

واجب چهارم: مسح سر

والواجب منه: ما يسمى به ماسحاً، والمندوب: مقدار ثلاث أصابع عرضاً. ويختص المسح بمقدم الرأس، ويجب أن يكون بنداوة الوضوء، ولا يجوز استئناف ماء جديد له. ولو جف ما على يديه أخذ من لحيته أو أشفار عينيه، فإن لم يبق نداوة استأنف الوضوء.

مقدار واجب مسح سر آن است که گفته شود مسح شده است⁽⁵⁾ و مقدار مستحب آن است که از جهت عرض سه انگشت باشد. مسح سر باید تنها در قسمت جلوی سر انجام شود، و واجب است که با رطوبت باقی مانده از وضو انجام شود و نباید کف دست با آب دیگری مرطوب شود.⁽⁶⁾ اگر آب دست خشک شود از آب روی ریش یا مژه‌ها می‌توان برای مسح استفاده کرد و اگر هیچ رطوبتی از وضو باقی نماند (که با آن مسح کند) باید مجدداً وضو بگیرد.

4 - در این موارد اگر بتواند در حوض یا زیر شیر وضو بگیرد که این کار را انجام می‌دهد وگرنه باید کمک بگیرد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 37)

5 - می‌تواند با کف دست راست یا چپ و اگر نتواند با پشت دست سر را مسح کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 39)

6 - اگر درحالی که سر را مسح می‌کند دستش به پیشانی‌اش بخورد و دستش با رطوبت پیشانی برخورد کند اشکالی ندارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 39)

والأفضل مسح الرأس مقبلاً ويكره مدبراً. ولو غسل موضع المسح لم يجز. ويجوز المسح على الشعر المختص بالمقدم وعلى البشيرة. ولو جمع عليه شعراً من غيره ومسح عليه لم يجز، وكذلك لو مسح على العمامة أو غيرها مما يستتر موضع المسح.

بهتر است که مسح سر را رو به جلو انجام دهد و رو به پشت مسح کردن مکروه است. شستن موضع مسح صحیح نیست [بلکه باید آن را مسح نماید].

مسح بر آنچه موی قسمت جلوی سر و پوست سر نامیده می شود جایز است؛⁽⁷⁾ اما اگر از دیگر قسمت‌های سر، مو را جمع کند و بعد روی آن مسح نماید صحیح نیست. همچنین مسح بر روی عمامه و کلاه و آنچه موجب پوشاندن محل مسح سر می باشد، صحیح نیست.

الفرض الخامس: مسح الرجلين.

واجب پنجم: مسح پاها

ويجب: مسح القدمين من رؤوس الأصابع إلى الكعبين، وهما قبتا القدمين ويجوز منكوساً، وليس بين الرجلين ترتيب. وإذا قطع بعض موضع المسح مسح على ما بقي، ولو قطع من الكعب سقط المسح على القدم. ويجب: المسح على بشرة القدم، ولا يجوز على حائل من خف أو غيره. ويجب أن يمسح بكفه كلها على قدمه مع القدرة، ولا يجب أن يكون كل جزء من الكف ماسح على القدم، بل أن تمر الكف على القدم.

در مسح پاها واجب است از سر انگشتان تا برآمدگی [روی] پا مسح شود که دو برآمدگی روی پاست و برعکس نیز جایز است. در مسح کردن پاها ترتیب وجود ندارد. اگر قسمتی از پا که باید مسح شود قطع شده باشد باید باقی مانده آن مسح گردد، ولی اگر پا از برآمدگی روی پا (کعب) قطع شده باشد مسح آن ساقط می شود.⁽⁸⁾ در مسح پا واجب است که پوست پا مسح شود و جایز نیست که چیزی نازک یا ضخیم بین پوست پا و دست حایل شود. واجب است که در حد امکان با تمام کف دست روی پا را مسح کند و واجب نیست که تمام اعضای کف دست، تمام اعضای روی پا را مسح کند، بلکه کف دست از روی پا گذرانده می شود.⁽⁹⁾

7 - مسح بر قسمت جلوی سر و موی آن صحیح است حتی اگر موی جلوی سر بلند باشد و بر روی پیشانی باشد نیز مسح بر آن صحیح است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 39)

² - تحجیل، این است که دست خود را برای مسح، دور و گرد مفصل پا بگردانید. با توجه به اینکه واجبی که در شرایع ذکر شده است، مسح تا دو برآمدگی پاهاست و همان طور که نزد ما، نص مکتوبی از امام (ع) وجود ندارد که مستحب بودن تحجیل را بیان کند؛ ولی بسیاری از مؤمنین هستند که امام (ع) را مشاهده کردند که این کار «تحجیل» را انجام می داد. اللجنة الفقهية (25 جولای 2017) Alljnahalfkheah@yahoo.com

9 - برای مسح سر و پاها خشک بودن محل مسح لازم نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 39)

مسائل ثمان:

هشت مسئله:

الأولى: الترتيب واجب في الوضوء يبدأ غسل الوجه قبل اليمنى، واليسرى بعدها ومسح الرأس ثالثاً، والرجلين أخيراً. فلو خالف أعاد الوضوء - عمداً كان أو نسياناً - إن كان قد جف الوضوء، وإن كان البلل باقياً أعاد على ما يحصل معه الترتيب.

مسئله اول: ترتيب در وضو واجب است و باید وضو را با شستن صورت آغاز کند و بعد دست راست، سپس دست چپ و بعد از آن، سر و سپس پاها را مسح کند. اگر وضوگیرنده از روی عمد یا غیر عمد (فراموشی) ترتیب را رعایت نکند و آب وضو خشک شده باشد، باید دوباره وضو بگیرد، اما اگر رطوبت باقی باشد، وضو برحسب ترتیب تکرار می شود.⁽¹⁰⁾

الثانية: الموالاة واجبة، وهي: أن لا يفصل بين الغسلتين والمسحتين بفواصل يخرجها عرفاً عن كونها عمل واحد وهو الوضوء، فإذا غسل وجهه بادر إلى غسل يديه ثم بادر إلى مسح رأسه ثم بادر إلى مسح رجليه دون تواني أو إهمال.

مسئله دوم: موالات در وضو واجب است؛ یعنی نباید بین شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها چنان فاصله بیندازد که از نظر عرف، یک عمل واحد (وضو) محسوب نشود؛ اگر صورت را شست باید مشغول شستن دست راست و پس از آن دست چپ شود، سپس بلافاصله سر و بعد از آن پاها را مسح نماید و این کار باید بدون سستی و اهمال انجام گیرد.

الثالثة: الفرض في الغسلات مرة واحدة، والثانية سنة، والثالثة بدعة، وليس في المسح تكرر.

مسئله سوم: شستن صورت و دستها برای بار اول واجب، بار دوم سنت و بار سوم، بدعت⁽¹¹⁾ است؛ و در مسح، تکرار وجود ندارد.

الرابعة: يجزي في الغسل ما يسمى به غاسلاً وإن كان مثل الدهن. ومن كان في يده خاتم أو سير فعليه إيصال الماء إلى ما تحته، وإن كان واسعاً استحبه له تحريكه.

10- به عنوان مثال اگر صورتش را شسته و سپس دست چپ را شسته و هنوز صورتش خیس است، می تواند دست راست را بشوید و بعد دست چپ و به همین ترتیب تا آخر وضو. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 41)

1- اگر اعضای وضو را بیش از دو بار شسته و بعد از آن متوجه شده است که شستن بیش از دو بار وضو را باطل می کند نمازهایی که خوانده، صحیح است و نیازی به تکرار ندارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 41)

مسئله چهارم: در شستن، آن مقدار که گفته شود شسته شده است کفایت می‌کند حتی اگر به اندازه روغن مالی باشد. کسی که در دست خود بند یا انگشتری داشته باشد واجب است که آب را به زیر آن برساند و اگر گشاد و فراخ باشد حرکت دادن آن (برای رساندن آب به زیر آن) مستحب است.

الخامسة: من كان على بعض أعضائه طهارته جبائر فإن أمكنه نزعها أو تكرار الماء عليها حتى يصل إلى البشرة وجب، وإلا أجزاه المسح عليها سواء كان ما تحتها طاهراً أو نجساً، وإذا زال العذر استأنف الطهارة.

مسئله پنجم: کسی که بر اعضای وضویش جبیره وجود داشته باشد⁽¹²⁾ اگر بتواند آن را برداشته یا با چند مرتبه ریختن آب بر آن، آب را به پوست برساند واجب است این کار را انجام دهد، اما اگر ممکن نبود، مسح بر جبیره کفایت می‌کند، چه زیر جبیره پاک باشد و چه نجس باشد؛⁽¹³⁾ و هنگامی که عذر برطرف شد باید وضو بگیرد.⁽¹⁴⁾

السادسة: لا يجوز أن يتولى وضوءه غيره مع الاختيار، ويجوز عند الاضطرار.

مسئله ششم: در حال اختیار جایز نیست شخص دیگری او را وضو دهد، ولی در حالت اضطرار جایز است.

السابعة: لا يجوز للمحدث مس كتابة القرآن، ويجوز له أن يمس ما عدا الكتابة.

مسئله هفتم: کسی که وضو ندارد نباید به کلمات قرآن کریم دست بزند؛⁽¹⁵⁾ اما لمس کردن قرآن به غیر از نوشته‌هایش اشکالی ندارد.⁽¹⁶⁾

2- هیچ چیز نباید مانع رسیدن آب به پوست شود و در صورت امکان باید اگر مانعی بر روی پوست باشد، مانند رنگ یا جوهری که جرم دارد از بین برود؛ اما اگر برداشتن آن ممکن نباشد لازم نیست؛ همچنین کسانی که در تعمیرگاه‌ها یا تراشکاری‌ها و... کار میکنند و دستشان در اثر لمس آهن‌آلات یا روغن، سیاه می‌شود، اگر می‌توانند، برای وضو آن را پاک کنند و اگر ممکن نیست، اشکالی ندارد که با وجود همین سیاهی‌ها وضو بگیرند و وضویشان صحیح است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 43)

13- اگر در یکی از اعضای وضو زخمی وجود داشته باشد که از آن خون می‌آید، باید بر آن جبیره‌ای قرار دهد و آن را مسح کند؛ و اگر از زخم خون می‌آید، می‌تواند بر آن پنبه و باند طبی قرار دهد و آن را ببندد و بر روی آن مسح کند و اگر مساحت باندپیچی شده بیشتر از زخم باشد اشکالی ندارد و همچنین لازم نیست که تمام سطح جبیره (باندپیچی) شده را مسح کند بلکه همین که دست را به اندازه ممکن بر تمام اطراف آن بکشد کفایت می‌کند. (و لا یكلف الله نفساً الا وسعها)؛ (خداوند هر شخصی را فقط به اندازه توانایی‌اش تکلیف می‌کند). (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 42)

14- اگر روی زخم، خون خشکیده باشد و یا ضمد گذاشته باشند و تطهیر آن نیز ممکن نباشد، روی آن را با پارچه می‌پوشاند و وضو جبیره می‌گیرد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 42)

15 - منع کردن بچه از لمس کلمات قرآن واجب نیست، اما مستحب است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 44)

16- خال کوبی کردن اسم جلاله و نام‌های معصومین (ع) بر بدن جایز نیست، اما اگر نوشته است پاک کردن آن در صورت امکان واجب است وگرنه نجس کردن آن حرام است و اگر نجس شد باید فوراً پاک کند؛ اما وضو گرفتن به دلیل وجود خال کوبی بر بدن او لازم نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 44)

الثامنة: دائم الحدث (من به سلس، من به البطن) إذا كان له وقت يكفي للصلاة صلى فيه، وإلا جدد وضوءه في الصلاة وأتمها، وإن تعسر عليه تطهير الخبث في الصلاة يكفيه التطهر من الحدث.

مسئله هشتم: دائم الحدث (کسی که از مجرای ادرار او ناخواسته ادرار خارج می شود و کسی که از مجرای شکم او باد و... خارج می گردد) اگر بین دو حدث، آن قدر زمان داشته باشد که نماز بخواند، باید در همین فاصله وضو بگیرد و نماز بخواند، در غیر این صورت باید حین نماز وضو بگیرد و نماز را ادامه دهد و به پایان برساند. اگر پاک کردن نجاست در حین نماز برای او سخت باشد، لازم نیست تطهیر کند و وضو کافی است.

وسنن الوضوء هي: وضع الإناء على اليمين والاعتراف بها، والتسمية والدعاء، وغسل اليدين قبل إدخالهم الإناء من حدث النوم أو البول مرة ومن الغائط مرتين، والمضمضة والاستنشاق، والدعاء عندهما وعند غسل الوجه واليدين وعند مسح الرأس والرجلين، وأن يبدأ الرجل بغسل ظاهر ذراعيه وفي الثانية بباطنهما، والمرأة بالعكس، وأن يكون الوضوء بمد. ويكره: أن يستعين في طهارته، وأن يمسح بلل الوضوء عن أعضائه.

سنت های وضو: ظرفی که از آن آب برمی دارد را در سمت راست خود بگذارد، با دست راست آب بردارد، بسم الله بگوید و دعا کند.⁽¹⁷⁾ دست ها را اگر خواب بود و یا ادرار کرده بود یک بار و اگر غائط کرده بود، دو بار قبل از داخل کردن در ظرف بشوید. مضمضه کردن آب در دهان و استنشاق کردن بینی همراه خواندن دعا و همچنین خواندن دعا هنگام شستن صورت و دست ها و مسح و سر و پاها مستحب است. مستحب است مرد در هنگام شستن ساعدهای خود نخست قسمت بیرونی را بشوید و بعد قسمت داخلی دست را؛ و مستحب است که زن عکس آن عمل نماید و اینکه وضو با یک مُد آب (750 گرم) انجام شود.

و مکروه است؛ کمک گرفتن از دیگران برای وضو و خشک کردن اعضای شسته شده بعد از وضو مکروه است.

1- در وقت شستن دست راست: «اللَّهُمَّ أَعِظْنِي كِتَابِي يَمِينِي وَ الْخُلْدُ فِي الْجَنَانِ بَيْسَارِي وَ حَاسِبْنِي حِسَاباً يَسِيراً»؛ (پروردگارا! کتاب و نامه اعمالم را در روز قیامت به دست راستم و جاودانگی در بهشت را در دست چپم قرار ده و محاسبه مرا سهل و آسان نما). در وقت شستن دست چپ: «اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بَيْسَارِي وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِي وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقْطَعَاتِ النَّيْرَانِ»؛ (بارالها! نامه اعمالم را در روز محشر به دست چپم مده و آن را به گردنم آویزان مکن و از آتش جهنم به تو پناه می برم). در وقت مسح سر: «اللَّهُمَّ عَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ»؛ (خدایا! رحمت و برکات و بخشایش را بر من بگستران). در وقت مسح پاها: «اللَّهُمَّ تَبِّئْنِي عَلَى الصَّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يَرْضِيكَ عَنِّي»؛ (خدایا! در آن روز که قدمها می لغزد، مرا بر پل صراط ثابت قدم بدار؛ و تلاش و کوششم را در آنچه باعث رضایت تو از من است، قرار ده). (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 45-46).

